

# طنز آموزشی: ظرفیت مغفول در ارتقای کیفیت آموزش

© دکتر زهرا افشارکهن<sup>۱</sup>

## چکیده:

هدف این مقاله، بررسی آخرین یافته‌های پژوهشی به قصد دستیابی به مفاهیم مشترک و دیدگاه‌های جدید در مورد طنز آموزشی به منظور تبیین لزوم کاربرد عملی آن در ارتقای کیفیت آموزش در نظام آموزشی کشور است. پژوهش حاضر به روش سنتز پژوهی صورت گرفته که در آن با استخراج مؤلفه‌ها و نکات مشترک تعدادی از تحقیقات مرتبط با طنز طبق اصول تلفیق، سنتزی از داده‌ها و یافته‌ها مورد بازآرایی، بازاندیشی و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهند که طنز آموزشی ظرفیت بالایی برای کاربرد در محیط‌های آموزشی دارد و می‌تواند به غنی‌سازی برنامه‌های درسی به‌طریق گوناگون از جمله تلطیف فضای آموزشی، ارتقای روحیه دانش‌آموزان، رفع خستگی، افزایش توجه و اعتماد به نفس و بهبود روابط دانش‌آموزان با معلمان کمک کند. شایان ذکر است که معلمان از دیرباز به‌طور معمول در کلاس‌های درس خود از انواع طنزهای کلامی و غیرکلامی برای پیشبرد بهتر فرایند آموزش و افزایش میزان شادی و نشاط دانش‌آموزان و ارتقای سطح توجه آنان استفاده کرده‌اند در حالی که ممکن است از دید آنان، شوخ‌طبعی به‌عنوان یک موضوع علمی مورد توجه قرار نگرفته باشد، اما ادعای پژوهش حاضر این است که توسعه فرهنگ طنز به‌منزله یک‌روش آموزشی می‌تواند به‌عنوان یک کاتالیزور و تسهیلگر به کمک معلم بشتابد و دستیابی به اهداف آموزشی را تسهیل و تسریع کند. در نهایت، پیشنهادهایی برای استفاده این یافته‌ها در حوزه آموزش و بهبود کیفیت یادگیری ارائه شده است.

کلید واژگان: طنز آموزشی، برنامه‌های درسی، سنتز پژوهی

تاریخ پذیرش: ۹۹/۴/۱۴

تاریخ دریافت: ۹۸/۴/۱۷

۱. دکتری تخصصی برنامه‌ریزی درسی، کارشناس کمیسیون راهبری تحول بنیادین شورای عالی آموزش و پرورش. ..... afsharkohan@yahoo.com

## مقدمه

تجربه زیسته معلمی پژوهشگر و اظهارات بسیاری از معلمان گویای این است که فضای کنونی آموزش و پرورش، از نشاط لازم برخوردار نیست و حجم خستگیهای ناشی از آموزش بالاست. فشار دشواری مطالب درسی، حجم قابل توجه مباحث آموزشی، تراکم دانش‌آموزان در کلاسهای درس، کمبود امکانات رفاهی و ورزشی و عدم تناسب فضای آموزشی با جمعیت دانش‌آموزان، این فشار را چند برابر کرده است و نمود آن در زنگهای تفریح و ساعات پایانی آموزش و نحوه خروج دانش‌آموزان از مدارس کاملاً آشکار است. بنابراین باتوجه به شرایط موجود باید در پی یافتن راهکارهایی بود که در محیطهای آموزشی نقش تسهیلگر و کاتالیزور داشته باشند. یکی از این راهکارها که در این مقاله بدان پرداخته شده، بهره‌گیری از ظرفیت مغفول کاربرد طنز و شوخ‌طبعی در آموزش است.

شوخ‌طبعی یکی از ظرفیتهای ناشناخته نظامهای آموزشی است که به نظر می‌رسد آگاهی از آن، می‌تواند دستیابی به اهداف آموزشی را سهولت ببخشد. کاربرد طنز<sup>۱</sup> و شوخ‌طبعی، در تمام عرصه‌های زندگی اعم از روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نیز فضاهای آموزشی مزایای متعدد دارد. به‌کارگیری شوخ‌طبعی ضمن آموزش، یکی از راهکارهایی است که می‌تواند محیط آموزشی را از مزایای مترتب بر آن، بهره‌مند سازد. شایان ذکر است که کاربرد طنز در محیطهای آموزشی باوجود جنبه‌های مثبت آن، باید توأم با ملاحظاتی باشد که از پیامدهای احتمالی منفی آن جلوگیری نماید. اما مفهوم طنز چیست؟ از دیدگاههای متعدد می‌توان به مفهوم طنز پرداخت. از نگاه روانشناختی، طنز یکی از کارکردهای عالی ذهن محسوب می‌شود که ویژه انسانهاست (فرای<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲). مگی<sup>۳</sup> (۲۰۰۲) شوخی را تجربه ذهنی از کشف و ادراک معانی ناهماهنگ با باور و خنده‌دار یا غیرمعمول تعریف کرده و بر اجزای شناختی طنز که در ناهمخوانی ریشه دارد، تأکید کرده است. از منظر جامعه‌شناختی، طنز پدیده‌ای اجتماعی است و نتیجه تعاملات افراد به‌گونه‌ای است که موجب شادی و خنده و نزدیکی روابط در جامعه و محیطهای اجتماعی می‌شود. ساوتمن و شوارتز<sup>۴</sup> (۲۰۰۴)، طنز را ارتباط و تعاملی می‌دانند که منجر به یک تجربه هیجانی، سرگرم‌کننده و شادی‌آور شود. از نظر زبانشناختی، منظور از طنز، سخنانی است که گوینده به قصد ایجاد تفریح بیان می‌کند و برای شناسایی آن، وجود سرنخهای زبانی و محتوایی، ضروری است (هولمز<sup>۵</sup>، ۲۰۰۰؛ نوریک<sup>۶</sup>، ۲۰۰۷). لومکس و موسوی<sup>۷</sup> (۲۰۰۲) معتقدند که طنز روش تعلیم و تربیت است و می‌تواند برای جذب دانش‌آموزان به دنیای هیجان‌انگیز درس آمار و تقویت و

۱. در این پژوهش، طنز برگرفته از واژه هیومر (Humor) که مترادف با شوخ‌طبعی است، می‌باشد.

2. Fry
3. McGhee
4. Southman & Schwartz
5. Holmes
6. Norrick
7. Lomax & Moosavi

توسعه مفاهیم ریاضی مورد استفاده قرار گیرد.

ظرفیت جدی طنز در تسهیل فرایند تعلیم و تربیت در حوزه برنامه‌های درسی و تربیتی به‌ویژه در داخل کشور، مورد توجه کافی قرار نگرفته و در دسترس نبودن پژوهش‌های بومی در این حوزه کاملاً مشهود است. پژوهشها و تجارب زیسته، حاکی از ظرفیت بالای انواع و اشکال طنز مناسب در محیطهای آموزشی است. بررسی محتوای سند تحول بنیادین و برنامه درسی ملی نشان داده که ظرفیت طنز برای آموزش مورد کم‌توجهی قرار گرفته است و این موضوع می‌تواند فضای آموزش کشور را از آثار مثبت مترتب بر آن، بی‌نصیب سازد. به‌هر حال، شوخ‌طبعی به‌عنوان موهبتی الهی، برای نوع بشر به‌ودیه گذاشته شده است و این پژوهش سعی دارد با تکیه بر پژوهشهای موجود خلأ ناشی از این غفلت را یادآوری و تاحدی جبران کند. از این‌رو، پژوهش حاضر قصد دارد ضمن تأکید بر لزوم بهره‌مندی از قابلیت‌های شوخ‌طبعی در آموزش، دانش و فنون مربوط به استفاده هوشمندانه از آن را در اختیار حوزه برنامه‌ریزی درسی و آموزشی قرار دهد.

طنز پدیده‌ای چندبعدی و میان-رشته‌ای است که یافتن تعریف واحد و مورد توافق از آن، میان اندیشمندان و پژوهشگران تقریباً غیرممکن است. طنز در فرهنگ ایرانی توأم با انتقاد است و چنانچه طنزی از انتقاد تهی باشد، اطلاق واژه شوخ‌طبعی بدان خواهد شد، اما در فرهنگ غربی، طنز یکی از زیرمجموعه‌های واژه هیومر است که طیف وسیعی از معادلهای جمله شوخ‌طبعی را در بر می‌گیرد. شوخ‌طبعی در لغتنامه دهخدا (۱۳۷۲) به‌معنای مزاح، مطایبه، خوش‌طبعی و امری است که مقابل جدی قرار بگیرد. شوخ‌طبعی در اصطلاح نوعی گفتار، تصویر یا نوشتار است که مواجهه با آن، موجب انبساط‌خاطر و تولید نشاط همراه با ملاحظه و مهربانی و خالی از اذیت و آزار است (بریز<sup>۱</sup> و همکاران، ۲۰۰۴؛ نقل شده در حیدری، خاشعی و معروفانی اصل، ۱۳۹۵).

بهترین معادل برای واژه هیومر، «شوخ‌طبعی» است (موریل<sup>۲</sup>، ۱۹۶۰؛ ترجمه فرجامی و جعفری، ۱۳۹۲). در طنز، ما یک تغییر شناختی ناگهانی را در وضعیت ذهنیمان تجربه می‌کنیم که مبین انتقال شناختی است و در شرایط معمولی، یعنی اگر آن را جدی می‌گرفتیم، ناراحت‌کننده بود. اما فارغ از دغدغه‌های روزمره، با بازیگوشی با آن برخورد می‌کنیم و از آن لذت می‌بریم. تنها انسانها، از عهده چنین کاری برمی‌آیند و دلیلش خردمندی آنهاست (موریل، ۱۹۶۰). موریل در ادامه می‌افزاید هر چقدر تفاوت وضعیت در انتقال شناختی، بیشتر باشد، امکان شگفت‌زدگی و خندیدن به موقعیت بیشتر است. ذکر مثالی از تجارب نقل‌شده در این زمینه، شاید موضوع را ملموس‌تر نماید: دانش‌آموزی، به کلاس نرفته و غیبت داشته است؛ در بازگشت به کلاس، متوجه آگهی ترحیم خویش می‌شود که همکلاسبهایش، در نبود وی به دیوار کلاس نصب کرده‌اند. خب طبیعی است که فرد در چنین وضعیتی انتظار نگرانی

1. Breeze  
2. Morrill

- و احوالپرسی را داشته باشد و این تفاوت، اگر بازیگوشانه بدان نگریسته شود، موجب انتقال شناختی به وضعیت جدید نسبت به انتظارات معمول است و موجب خنده فرد در مواجهه با شوک ناشی از این شوخی خواهد شد. با توجه به آنچه گفته شد، این پژوهش برای پاسخ به سؤالات زیر انجام شده است:
۱. ماهیت و اشکال مختلف طنز آموزشی بر اساس پژوهشهای انجام شده چیست؟
  ۲. کارکردها و کژکارکردهای طنز آموزشی چیست؟
  ۳. روشها و راهکارهای به کارگیری طنز در آموزش چیست؟

## روش پژوهش

روش به کار رفته در این پژوهش، سنتز پژوهی است. باتوجه به این اصل که علم، قابلیت تجمع یا تراکم نظاممند دانشهای تولید شده پیشین را دارد (چالمز، هجز و کوپر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۲)، هدف از سنتز پژوهی، تبیین ضرورت ورود طنز به صورت رسمی به حوزه آموزش است. حوزه مورد بررسی تحقیقات سراسر دنیا و بنابراین، جامعه پژوهش، کلیه تحقیقات انجام شده در زمینه طنز آموزشی در داخل و خارج از کشور است. کلید واژه‌های مورد بررسی برای دستیابی به تحقیقات مرتبط شامل «شوخی طبیعی»، «شوخی طبیعی در برنامه درسی»<sup>۲</sup>، «کارکردهای طنز»<sup>۳</sup> و «طنز آموزشی»<sup>۴</sup> در زبان انگلیسی و شوخی طبیعی، طنز، جوک، لطیفه، مطایبه، شوخی طبیعی در تدریس، کاربرد طنز در آموزش و نظایر آن در زبان فارسی بودند. منابع مورد مراجعه و استناد شامل سایتهای ProQuest، Google Scholar، Springer، ScienceDirect، مورد بررسیات مرتبط با شوخی طبیعی بوده است که پس از غربالگری تعداد ۲۶۱ مقاله و رساله پژوهشی طی دو مرحله، تعداد ۳۳ مورد از مجموع ۷۳ پژوهش قابل دسترسی، با توجه به میزان ارتباط با حوزه آموزش، به عنوان نمونه انتخاب شده است. بازه زمانی این پژوهشها از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۰ را شامل می شود. پس از استخراج مؤلفه‌های مشترک پژوهشهای مذکور، به سنتز تجمیعی مزایا و مخاطرات آنها پرداخته شده است (جداول ۱ و ۲). در مطالعه حاضر برای رعایت ملاک شمول تلاش شده که همه منابع نوشتاری (چاپی / الکترونیکی) معتبر در حوزه موضوع پژوهش (در دسترس) مورد مطالعه قرار گیرد. برای پیشگیری از ابهام و دوپهلوی بودن اصطلاحات از متخصصان حوزه برنامه درسی و صاحب نظران حوزه طنز، در معادل یابی کلمات و اصطلاحات کلیدی کمک و مشورت گرفته شده است. در زمینه معیار عملی بودن، با توجه به اینکه هدف در مطالعه حاضر ارائه یک نقشه مفهومی بوده است، طبیعتاً پژوهش حاضر از ویژگی عملی بودن برخوردار است. برای رسیدن به توافق جمعی و اجماع درباره نتیجه پژوهش نیز از روش دلفی استفاده شده است. در نهایت، پس از کدگذاری، فراوانی هر یک از مزایا و مخاطرات

1. Chalmers, Hedges & Cooper
2. Humor in curriculum
3. Humor's functions
4. Instructional humor

با توجه به نتایج تحقیقات محاسبه و تعداد ۵۹ مزیت و ۱۷ مخاطره استفاده از طنز در آموزش، شناسایی شده است که با توجه به این جمع‌بندی، استفاده از طنز آموزشی در نظام تعلیم و تربیت در قالب یک نقشه مفهومی پیشنهادی (نمودار ۱)، توصیه می‌شود.

## یافته‌های پژوهش

در این بخش، نتایج حاصل از یافته‌های پژوهشهایی که مورد تحلیل قرار گرفتند، در پاسخ به سه سؤال پژوهش برای بهره‌گیری از ظرفیت طنز آموزشی در برنامه‌های درسی آورده شده است.

### سؤال اول: ماهیت و ویژگیهای طنز آموزشی

نظریه‌های بسیار از زوایای مختلف به طنز پرداخته‌اند که از میان بیش از یکصد نظریه شناسایی شده (اشمیت و ویلیامز<sup>۱</sup>، ۱۹۷۱)، سه نظریه غالب وجود دارد که بیانگر سه نوع کارکرد متفاوت پدیده طنز هستند.

گروه اول شامل مدل‌های زیستی، تسکینی<sup>۲</sup> و دوسوگراست که مبتنی بر کارکرد روانکاوانه طنز است و فروید<sup>۳</sup> پیشگام اصلی این نظریه است. فروید بر این باور است که افراد در زمینه‌هایی طنز می‌سازند که جامعه آنها را سرکوب می‌کند و انرژی آزاد شده را که در قالب جدید نیازی به سرکوب ندارد، به خنده تبدیل و آزاد می‌کنند و این سبب بهبود حال فرد می‌شود. بعدها به شوخ‌طبعی به‌عنوان عاملی برای کاهش فشارهای روانی پرداخته است. در مدل رهایی/ تسکینی که اسپنسر (۱۸۶۰)، مطرح کرده است، طنز زمانی تجربه می‌شود که برای رهایی از فشار یا کاهش تنش مورد استفاده قرار گیرد.

گروه دوم شامل طنزهای ناهمخوان<sup>۴</sup> غافلگیرکننده موقعیتی است. نظریه ناهمخوانی که بعداً در آثار آرتور شوپنهاور<sup>۵</sup> (۱۸۱۹) شرح داده شده است، اظهار می‌دارد که شخص بذله‌گو، مفاهیمی را در طنز بیان می‌کند که با تجربیات شخصی‌اش همخوانی ندارد. پیرو این نظریه، در سال ۱۶۴۹، دکارت<sup>۶</sup> مدل غافلگیری طنز را شناسایی کرده که می‌گوید طنز مستلزم ناگهانی بودن است (موریل، ۱۹۶۰؛ ترجمه فرجامی و جعفری، ۱۳۹۲).

گروه سوم، معرف نظریه طنز برتری جویانه<sup>۷</sup> و بیانگر این مفهوم است که فرد یا موجودی، فرادست دیگر افراد یا موجودات باشد و طنز را به شیوه تهاجمی و برای تحقیر و بی‌اعتبار کردن مخالفان یا زیردستان به کار گیرد. افلاطون و ارسطو (قرن پنجم ق. م.) بر این باورند که طنز و خنده وسیله‌ابراز

1. Schmidt & Williams
2. Relief
3. Freud
4. Incongruity
5. Schopenhauer
6. Descartes
7. Superiority

قدرت و برتری هستند که به‌عنوان حربه‌ای برای نمایش خطاهای دیگران و تخریب و بیان حقارت آنان، استفاده می‌شوند.

طنز از دیدگاه زبان‌شناختی نیز مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه، آتاردو و راسکین<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) طنز را رفتاری می‌دانند که از طریق ابزارهای زبانی یا غیرزبانی از دو طرف گفت‌وگو سر می‌زند. راسکین (۱۹۸۵)؛ به نقل از ضیایی‌مهر، (۱۳۹۳)، معتقد است که چنین رفتاری نتیجه تقابل دو تصویر ذهنی یا برداشت معنایی نامتجانس و نامنطبق است و احتمال دارد گوینده طنز، هدفش تولید خنده باشد یا نباشد. وانزر و فرایمر<sup>۲</sup> (۱۹۹۹) بر پایه نظریه‌های اجتماعی سه‌گانه برتری‌طلبی، ناهمخوانی و تسکین، طنزی موسوم به طنز آموزشی را که تلفیقی از سه نظریه طنز است، پیشنهاد می‌دهد.

طنز آموزشی، طنزی است که برنامه‌ریزی شده و به قصد آموزش در محیط‌های آموزشی برای تسهیل و جذاب‌سازی فرایند آموزش به‌کار گرفته شود (وانزر و فرایمایر، ۱۹۹۹). طنز آموزشی ظرفیتی است که به‌صورت بالقوه در معلم، دانش‌آموز، گروه همسال و فضای آموزشی وجود دارد که می‌توان به‌عنوان مکانیزم تسهیل‌کننده فرایند یادگیری برای مقاصد آموزشی از آن استفاده کرد (ضیایی‌مهر، ۱۳۹۳).

نگارنده، بر این باور است که «طنز آموزشی» بیشتر بر بعد غافلگیری و ناهمخوانی - رخدادی که انتظارش را نداریم و با عادات شناختی پیشین ما مغایر است - استوار است و دو نظریه دیگر که وانزر مطرح کرده است، تأثیرگذاری کمتری در آن دارند و نظریه زبان‌شناختی نیز به‌عنوان یکی از مبانی نظری اصلی می‌تواند به‌نظریه‌های سه‌گانه مطرح شده، افزوده شود.

در تعریف وانزر از طنز آموزشی، بعد برنامه‌ریزی شده و هدفمند بودن آن مورد تأکید است و این مبین دو مطلب است، اول اینکه معلم کاملاً آگاهانه سعی می‌کند به مواردی بیندیشد که بتواند با استفاده از طنز در خلال تدریس فهم محتوای آموزشی را برای دانش‌آموز تسهیل نماید و مطلب دوم اینکه گاهی هم آگاهانه و با اشراف به موقعیت کلاس از طنزهای ناگهانی (خودجوش<sup>۳</sup>) یا طنزهای دانش‌آموزی برای تلطیف فضای آموزش استقبال کند، چرا که طنز آموزشی، برخی مواقع ناگهانی و غیرمترقبه است. هاتیوا<sup>۴</sup> (۲۰۰۰) در فصل شانزدهم کتابش با عنوان «تدریس برای یادگیری مؤثر در آموزش عالی» می‌گوید: طنز آموزشی می‌تواند در اثنای تدریس، به یکی از دو شکل خودجوش یا برنامه‌ریزی شده روی دهد. طنز خودجوش متداول‌ترین نوع طنز در تدریس است که معمولاً به شکل اظهارات خنده‌دار معلم که برای دانش‌آموزان غیرمنتظره است روی می‌دهد. لازمه طنز خودجوش این است که معلم فضای آموزش را برای پذیرش این نوع طنز مهیا سازد. برخی مواقع نیز، استفاده از طنز، کاملاً هوشمندانه و برنامه‌ریزی شده است. معلم احساس می‌کند که فهم مطلب دشوار است و آن را در قالب داستانی خنده‌دار

1. Attardo & Raskin  
2. Wanzer & Frymier  
3. Spontaneous humor  
4. Hativa

بازگو می‌کند، یا با استفاده از بازیهای کلامی و طرح معما، ذهن دانش‌آموزان را با موضوع کلاسی درگیر می‌سازد و با ایجاد فضایی شاد از خستگی آنان میکاهد.

### سؤال دوم: کارکردها و کژکارکردهای طنز آموزشی کدام‌اند؟

اگرچه در نگاه سنتی، آموزش موضوعی جدی و رسمی در نظر گرفته می‌شود، روند آموزشی در دهه‌های اخیر به‌سوی ارتقا به محیط یادگیری آرام‌تر در حرکت است و بر کاربرد طنز در یادگیری تأکید دارد. کورنت<sup>۱</sup> (۱۹۸۶)، طنز را یکی از قدرتمندترین منابع در اختیار معلم توصیف می‌کند که می‌تواند برای مقاصد گوناگون چون تصحیح مشکلات خواندن، کنترل مشکلات رفتاری، ساخت واژگان، آموزش زبانهای خارجی و جذب دانش‌آموزان گوشه‌گیر مورد استفاده قرار گیرد (نقل‌شده در مارتین<sup>۲</sup>، ۲۰۱۰). کاربرد طنز آموزشی می‌تواند به کاهش تنش، استرس، اضطراب، خستگی و افزایش ارتباط دانش‌آموز و معلم منجر شود، موجب شود کلاس درس برای دانش‌آموزان کمتر تهدید به‌شمار آید، یادگیری لذت‌بخش‌تر شود، نگرش مثبت نسبت به یادگیری ایجاد کند، علاقه را تحریک و توجه را به پیامهای آموزشی جلب کند، درک را افزایش، حافظه‌شناختی و عملکرد آموزشی و نیز خلاقیت و تفکر واگرا را ارتقا بخشد (برک<sup>۳</sup>، ۱۹۹۸؛ دیویس و آپتر<sup>۴</sup>، ۱۹۸۰). اهمیت استفاده از طنز در این است که هدف آموزش، صرفاً تدریس محتوای موضوع درسی نیست بلکه شکل‌گیری روابط و تقویت روابط انسانی نیز یکی از اهداف آن است. بنابراین هنگامی که طنز به‌طور مؤثری مورد استفاده قرار گیرد، موجب ایجاد روابط و تقویت عملکرد می‌شود (سویج<sup>۵</sup> و لوهان، ۲۰۱۷). پیزک<sup>۶</sup> (۲۰۱۷)، بر این باور است که طنز یک ابزار آموزشی ارزشمند برای مربیان است که در صورت استفاده مناسب، سازنده است و یادگیری دانش‌آموزان را تسهیل می‌کند. طنز آموزشی با بسیاری از نمودهای جسمانی مثبت مانند کاهش اضطراب و استرس، افزایش عزت‌نفس و خودانگیختگی و مزایای جسمی دیگر مانند بهبود تنفس و گردش خون به همراه ازدیاد اندروفین خون همراه است (برک، ۱۹۹۸). دوئیپس<sup>۷</sup> و همکاران (۲۰۲۰)، در آموزش علوم پزشکی، به نقش برجسته شوخ‌طبعی یا شوخیها به‌مثابه ابزاری برای مقابله با اضطراب مرتبط با آزمایشگاه آناتومی اشاره کرده‌اند. ماچلف و کارلین<sup>۸</sup> (۲۰۱۶)، به طنزهای مرتبط با محتوا، غیرمرتبط با محتوا، خودجوش و خودتحقیری<sup>۹</sup> به‌عنوان انواع طنز مناسب اشاره کرده‌اند.

با وجود مزایای به‌کارگیری طنز در فضای آموزشی، چنانچه از طنز در جای خود و به اندازه و از

1. Cornett
2. Martin
3. Berk
4. Davies & Apter
5. Savage & Lujan
6. Baysac
7. Dueñas
8. Machlev & Karlin
9. Self-disparaging

نوع مناسب با مخاطب استفاده نشود، می‌تواند آسیب‌های جدی بر شخصیت معلم و روحیه و انگیزه دانش‌آموزان وارد سازد. براینترنت، کمیسیکی، کرین و زیلمن<sup>۱</sup> (۱۹۸۰)، شش گروه طنز را در رفتار معلم شناسایی کرده‌اند که شامل جوکها، معماها، بازی با کلمات، داستانهای خنده‌دار، توضیحات طنزآمیز و سایر انواع طنز است. هر یک از اینها در صورت غنای مضمون و عدم لطمه به شخصیت دانش‌آموز، مناسب‌اند و انواع طنزهای نامناسب شامل استفاده از دانش‌آموزان به‌عنوان موضوع طنز، طنز شکست‌خورده<sup>۲</sup>، طنزهای جنسیتی، طنزهای قومیتی، ناسزاگویی با هدف خنده، به‌سخره گرفتن موضوعات جدی و جوکهای خصوصی است. شماری از دانش‌آموزان بر این عقیده بودند که یکی از طنزهای بسیار نامناسب، دست انداختن یا عیب‌جویی از دانش‌آموزان است. توضیح آنکه طنز شکست‌خورده، طنزی است که در موقعیت مناسب یا به‌طرزی مناسب استفاده نشود یا افراد فهم درستی از آن نداشته باشند که سبب سردرگمی می‌شود و کمتر کسی بدان می‌خندد، در چنین مواردی، به آن طنز شکست‌خورده یا به بیانی دیگر، «ناموفق» گفته می‌شود (ویلیامز و امیچ<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴).

نتایج پژوهش نفولپ<sup>۴</sup> (۱۹۹۱)، نشان داده که مناسب‌ترین طنز کلاسی، طنز مرتبط با محتواست، اما معلمان طنزهای خودتحقیری و طنزهایی را که مخاطب آن دانش‌آموزی خاص است، نامناسب قلمداد نکرده‌اند. معلمان باید بدانند که برخی از انواع طنز، مناسب فضای کلاس نیست و چه‌بسا یادگیری را کاهش دهد. به‌زعم گورهام و کریستوفل<sup>۵</sup> (۱۹۹۰)، طنزهای خودجوش (غیرعمدی)، بیش از سایر انواع طنز بر یادگیری تأثیرگذار بودند.

تحقیقات گوناگون بر این نکته صحنه می‌گذارد که کاربرد طنز بر ارتقای برداشت مثبت از موضوع درسی و معلم مؤثر است (توروک، مک‌موریس و لین<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴) و بر نگهداری اطلاعات نیز اثر می‌گذارد. همچنین، نتیجه پژوهش وست<sup>۷</sup> و مارتین (۲۰۱۹) نشان می‌دهد که طنز و یادگیری رابطه‌ای پیچیده دارند و طنز معلم در کلاسهای درس نقشی مهم ایفا می‌کند. گارنر<sup>۸</sup> (۲۰۰۶) می‌نویسد: اگرچه طنز می‌تواند یادگیری و ارتباط را افزایش دهد، ممکن است گاهی هم به‌دلیل ماهیت پیچیده‌اش به‌شکل مانعی اجتماعی درآید.

### سؤال سوم: روشها و راهکارهای ورود مؤثر طنز به حوزه آموزش

راههای ورود طنز به حوزه آموزش، به‌منظور ارتقای کیفیت یادگیری متعدد است که افزودن طنز به محتوای آموزش و روش تدریس معلم از آن جمله است. معلم می‌تواند انواع

1. Bryant, Comisky, Crane & Zillmann
2. Failed humor
3. Emich
4. Neuliep
5. Gorham & Christophel
6. Torok, McMorris & Lin
7. West
8. Garner



طنزهای کلامی<sup>۱</sup>، غیر کلامی<sup>۲</sup> و انگیزشی<sup>۳</sup> را در کلاس مورد استفاده قرار دهد. کوک<sup>۴</sup> (۲۰۰۰)، طنز کلامی را شامل «بازی با ساختار زبان و همچنین بازی با واحدهای معنا برای ایجاد جهان خیالی - جهانی که وجود ندارد» می‌داند. نمونه‌هایی از طنز کلامی شامل استفاده از صداها، قافیه، ریتم، آهنگ، مجاز، جناس، خطای در تلفظ، جوک و داستانهای خنده‌دار است. از سوی دیگر، طنز غیر کلامی دربرگیرنده تمام رفتارهای کنایه‌ای خنده‌دار مانند تقلید، چهره‌ها و حرکات خنده‌دار و همچنین پیامهای بصری و تصویری مانند کارتون، پویانمایی و نقاشیهاست که احساس سرگرمی را درگیرنده ایجاد کند. نشانه‌های متعدد برای شناسایی طنز غیر کلامی وجود دارد. برخی از آنها را آتاردو (۲۰۰۳) خلاصه کرده است که عبارت است از حرکات ابرو (مانند بالا بردن و پایین آوردن آن)، حرکات چشم (مانند باز کردن کامل چشم، به هم نزدیک کردن مردمکها، چرخاندن چشمها)، چشمک‌زدن، تکان دادن سر، لبخند زدن و صحبت کردن همراه با «نمایش حالتی از چهره است که فرد عمداً برای نشان دادن عدم وجود احساسات به خود می‌گیرد»<sup>۵</sup>.

به نظر آیلور و اپلیگر<sup>۶</sup> (۲۰۰۳)، فلسفه آموزش و پرورش، بر این باور است که انگیزه دانش‌آموزان برای یادگیری و به‌یادسپاری اطلاعات در صورتی که خوشحال و سرگرم باشند، بسیار بیشتر از موقعیتی است که حس اضطراب و تهدید را به آنان منتقل سازد و بسیاری از مربیان توصیه کرده‌اند که معلمان طنز را در قالب ضرب‌المثلها، تمثیلهای و تفاسیر طنز برگرفته از دروس، نمایش تصاویر و نوشته‌های خنده‌دار (انواع طنزهای غیر کلامی) روی دیوارهای کلاسهای درس نصب و دانش‌آموزان را مکرراً به تولید طنز ترغیب کنند. حتی برخی مربیان پیشنهاد کرده‌اند که یکی از اهداف آموزش و پرورش باید تسهیل و توسعه بخشیدن به حس خوب طنز در دانش‌آموزان باشد (برنشتاین<sup>۷</sup>، ۱۹۸۶؛ مزلو<sup>۸</sup>، ۱۹۵۴). راهبردهای یادگیری، چنانچه با چاشنی طنز همراه باشند، مانند به‌کارگیری یک واژه خنده‌دار یا تصویر مضحک برای یادسپاری مطالب، طبعاً فرایند یادگیری را لذت‌بخش‌تر می‌کنند و یادسپاری را بهبود می‌بخشند. تکرار حروف، بازی با کلمات، فیلمها و پویانماییهای آموزشی و داستانها و معماها و تمثیلهای خنده‌دار، تقلید صدا، شعرهای دست‌کاری‌شده، کاریکاتور، ژستهای خنده‌دار و اشتباهات لفظی تعددی از راهکارهای مختلف برای کاربرد طنز هستند که می‌توانند مرتبط یا حتی غیرمرتبط با محتوا برای رفع خستگی و تجدید قوای دانش‌آموزان و جلب توجه آنان به ادامه مباحث کلاسی یا موضوعات مهم، در فضای کلاسی به‌کار گرفته‌شوند (ضیایی‌مهر، ۱۳۹۳).

1. Verbal humor
2. Non-verbal humor
3. Motivational humor
4. Cook
5. Blank face
6. Aylor & Oppliger
7. Bernstein
8. Maslow

بازی با کلمات در درس نوشتن، استفاده از کمیک استریپ (داستانهای کارتونی مصور) در درس علوم، کاریکاتور در درس هنر، استفاده از زبان بدن در حین تدریس با هدف جلب توجه و توسعه نشاط و مشارکت، انجام دادن حرکات غیرمعمول و بازیهای گروهی خنده‌دار در درس تربیت بدنی نمونه‌های کاربردی استفاده از طنز به‌مثابه یک استراتژی آموزشی هستند. استفاده از شعرهای طنز، تقلید صدا، آوازهای شاد و تصاویر مضحک همگی از راهکارهایی هستند که به اندازه معین و با تشخیص معلم می‌توانند در حین آموزش به‌کار گرفته شوند.

یافته‌های این پژوهش، علاوه بر پاسخ به سؤالات مطرح شده، دربرگیرنده مزایا و مخاطرات استفاده از طنز در تحقیقات مرتبط است که در جدول ۱ خلاصه شده است.

**جدول ۱. مزایا و مخاطرات استفاده از طنز در تحقیقات مختلف در نمونه پژوهش حاضر**

ردیف	عنوان تحقیق	سال و نویسنده	مزایا	مخاطرات
۱	طنز اساتید در دانشگاهها	براینت و همکاران (۱۹۸۰)	جلب توجه، کاهش فشار دشواری مطالب آموزشی، تسهیل ارتباط، برانگیزانندگی. قالبهای طنز به‌کار رفته شامل معما، داستان، جوک، حکایت و ... بود.	استفاده از طنزهای نامناسب مثل طنز تحقیری و جنسیتی نیز مشاهده شد.
۲	طنز را جدی بگیریم (نه فقط برای خنده)	یاپوچه <sup>۱</sup> (۱۹۸۸)	تسهیل ارتباط، کاستن از حساسیتها، توسعه و بهبود روابط، تسهیل درک حقایق و اشکال	-
۳	رابطه شوخ‌طبعی و سبکهای مقابله با استرس	ریم <sup>۲</sup> (۱۹۸۸)	طنز ابزار مقابله با استرس از طریق به‌کارگیری مکانیسمهای سرکوب، انکار و جابه‌جایی	-
۴	بررسی محتوای طنز معلم در کلاسهای دوره متوسطه	نئولپ (۱۹۹۱)	طنز استراتژی تسهیلگر یادگیری است.	-
۵	مزایای جسمی طنز و مخاطرات آن برای سالمندان	برک <sup>۳</sup> (۲۰۰۱)	تسکین بیماریهای جسمی از قبیل رماتیسم، نفخ، ورم مفاصل، بهبود حافظه و کاهش افسردگی	در استفاده از طنزهای جسمانی با سالمندان باید محتاط بود.
۶	استفاده از طنز در عصر فناوری	کر <sup>۴</sup> (۲۰۰۲)	ارتباط با مخاطب، جلب توجه، اهمیت طنز مرتبط با محتوا	-

1. Iapocce
2. Rim
3. Berk
4. Kerr

جدول ۱. (ادامه)

ردیف	عنوان تحقیق	سال و نویسنده	مزایا	مخاطرات
۷	بررسی رابطه بین احساس نگرانی و شوخ‌طبعی	کلی <sup>۱</sup> (۲۰۰۲)	رابطه احساس نگرانی و شوخ‌طبعی به‌طور قابل‌ملاحظه‌ای منفی است.	-
۸	آنچه هر فرد باید درباره طنز و خنده بداند	برک و همکاران (۲۰۰۸)	افزایش اعتمادبه‌نفس، بهبود حافظه، بهزیستی روانی	-
۹	ادراک کودکان از طنز و کنایه از طریق طنز کلامی	پکسمن <sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۰۵)	درک کودکان از کنایات زبانی و طنز و عملکرد معنا تا اواسط دوران کودکی در حال توسعه است.	درک کودکان از کنایات زبانی و عملکرد معنا تا اواسط دوران کودکی در حال توسعه است.
۱۰	طنز به‌عنوان متنی برای کلاسهای نگارش	موراکامی <sup>۳</sup> (۲۰۰۶)	بهبود نوشتن، توسعه تفکر انتقادی، ارتقای مهارت‌های کلامی	-
۱۱	نقش طنز در ارتقای یادگیری	چابلی <sup>۴</sup> (۲۰۰۸)	بهبود تفکر انتقادی و حل مسئله، جو عاطفی مثبت، تلطیف فضای آموزش، افزایش یادگیری	-
۱۲	استفاده‌های مناسب و نامناسب معلمان از طنز	وانزر و همکاران (۲۰۰۶)	طنزهای مناسب: استفاده از رسانه، جوک، فیلم، داستان و آهنگهای مرتبط با موضوع درس	طنزهای نامناسب مثل طنز تحقیری با هدف قرار دادن ظاهر، هوش، جنسیت، مذهب دانش‌آموزان، برچسب زدن و رفتارهای تهاجمی
۱۳	سنجش برداشت دانش‌آموزان از طنز مناسب و نامناسب معلم	فرایمر، وانزر و ویتاشتیکی <sup>۵</sup> (۲۰۰۶)	برداشت از طنز معلم به تفاوت‌های فردی، هنجارهای اجتماعی - فرهنگی و شخصیت معلم بستگی دارد.	برداشت از طنز معلم به تفاوت‌های فردی، هنجارهای اجتماعی - فرهنگی و شخصیت معلم بستگی دارد.

1. Kelly
2. Pexman
3. Murakami
4. Chabeli
5. Wojtaszczyk

## جدول ۱. (ادامه)

ردیف	عنوان تحقیق	سال و نویسنده	مزایا	مخاطرات
۱۴	طنز در آموزش	گارنر (۲۰۰۶)	تسهیل ارتباط، افزایش یادگیری	مانع اجتماعی، طنز به شدت شخصی، غیرعینی، وابسته به قراین است، برداشت منحصربه‌فرد افراد از طنز
۱۵	نقش طنز در یادگیری زبان انگلیسی	تونجای <sup>۱</sup> (۲۰۰۷)	تسهیل یادگیری	-
۱۶	استفاده از طنز در کلاس درس	گردلفنی <sup>۲</sup> (۲۰۰۴)	کاهش استرس، افزایش سلامتی، جلب توجه دانش‌آموزان، کمک به اجتماعی شدن آنان	-
۱۷	طنز، زبان میان‌گفتاری (تضاد، ترکیب، تطبیق)	نوریک (۲۰۰۷)	طنز در فرهنگها و زبانهای مختلف فهم مشترک و هویت گروهی ایجاد می‌کند	گاهی با توجه به دانش زمینه‌ای افراد می‌تواند نوعی تهدید باشد.
۱۸	طنز در تدریس	رینگ <sup>۳</sup> (۲۰۰۸)	تسهیل یادگیری، جلب توجه، توصیه به استفاده از طنز مرتبط و غیرمرتبط با محتوا	هشدار نسبت به عدم استفاده از طنز نامناسب
۱۹	تکنیکهایی برای به‌کارگیری طنز در کلاس هنرهای زبانی	مینجو و هاپر <sup>۴</sup> (۲۰۰۸)	ایجاد انگیزه، روح بخشیدن به کلاس درس	-
۲۰	۱۲ ویژگی معلمان مؤثر	واکر <sup>۵</sup> (۲۰۰۸)	شوخ طبعی یکی از ویژگیهای مؤثر معلم است	-
۲۱	تأثیر فرهنگ بر نوع برداشت از طنز	واید <sup>۶</sup> و همکاران (۲۰۰۸)	برداشت از طنز تابعی از فرهنگ، زبان و دوزبانه بودن است.	برداشت از طنز تابعی از فرهنگ، زبان و دوزبانه بودن است.
۲۲	استفاده از طنز به‌عنوان ابزار یادگیری	رینگ (۲۰۰۸)	کاستن از فشار هیجانی آموزش، آموزش توأم با شادی، تلطیف فضای یادگیری	-

1. Tuncay
2. Girdlefanny
3. Ring
4. Minchew & Hopper
5. Walker
6. Vaid

جدول ۱. (ادامه)

ردیف	عنوان تحقیق	سال و نویسنده	مزایا	مخاطرات
۲۳	آموزش زبان انگلیسی با طنز و خنده	مینچو (۲۰۰۱)	افزایش یادگیری	-
۲۴	استفاده از طنز برای ارتقای احساسات و عملکرد اجتماعی طی یک روز	کامرون <sup>۱</sup> و همکاران (۲۰۱۰)	اجتناب از خجالت‌زدگی، کاهش ناراحتی، حفظ شادی، راهی برای مقابله با یکنواختی	-
۲۵	استفاده یا عدم استفاده از طنز در یادگیری زبان دوم	ضیایی‌مهر و همکاران (۲۰۱۱)	تسهیل و جذاب‌سازی فرایند یادگیری	ترس از سوژه شدن از سوی دیگران، فقدان کاراکترهای شخصیتی لازم، طنز گاهی تهدیدی برای اعتبار، احترام و حرفه معلم تلقی می‌شود.
۲۶	اثرات طنز و خنده بر عملکرد جسمانی، سلامتی و کیفیت زندگی	لبوویتز <sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۱)	کاهش مقاومت، ایجاد ارتباط	-
۲۷	فرهنگهای تدریس، مدرسه و طنز	بولو <sup>۳</sup> (۲۰۱۲)	طنز سبب خلاقیت و حل مسأله، یادگیری دانش‌آموزان و نگرش مثبت آنان به معلم و کاهش فرسودگی شغلی وی می‌شود.	-
۲۸	درک طنز بر اساس نظریه ناهمخوانی و اصل همکاری	لیلی <sup>۴</sup> (۲۰۱۲)	طنز سبب بهبود تعاملات اجتماعی، تشریح مساعی و مکانیزم مقابله اجتماعی است.	-
۲۹	طنز علمی-آموزشی در کلاسهای متوسطه	وایزور (۲۰۱۴)	افزایش توجه و رفع خستگی دانش‌آموزان	-
۳۰	به‌کارگیری طنز به‌عنوان محرک قوی مشارکت و تسهیلگر یادگیری دانش‌آموزان	مکنیلی <sup>۵</sup> (بی.تا.)	محرک یادگیری، احساسات مثبت نسبت به یادگیری، خوش‌بینی نسبت به معلم و فضای کلاس، مشارکت کلاسی	-
۳۱	خنده در کلاس: الگوهای رفتاری طنزآمیز در یادگیری قرن ۲۱	بیزک (۲۰۱۷)	ابزار آموزشی ارزشمند برای مربیان برای تسهیل یادگیری دانش‌آموزان	-

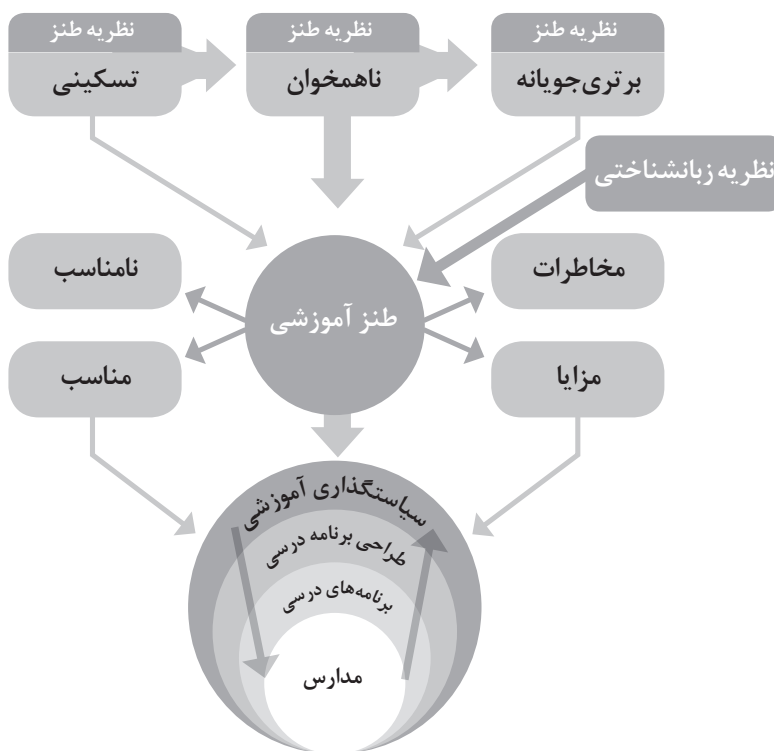
1. Cameron
2. Lebowitz
3. Bullough
4. Lili
5. McNeely

## جدول ۱. (ادامه)

ردیف	عنوان تحقیق	سال و نویسنده	مزایا	مخاطرات
۳۲	درک دانش‌آموزان از تناسب و همگنی حس شوخ‌طبعی معلم	وست و مارتین (۲۰۱۹)	طنز و یادگیری رابطه‌ای پیچیده دارند و طنز معلم در کلاسهای درس نقشی مهم ایفا می‌کند.	-
۳۳	کشف برنامه‌های درسی پنهان: استفاده از طنز سیاه در آزمایشگاههای آناتومی و پیامدهای آن برای آموزش علوم پایه	دونتیس و همکاران (۲۰۲۰)	ابزاری برای مقابله با اضطراب	-

## جدول ۲. مؤلفه‌های مشترک تحقیقات بررسی شده در زمینه طنز آموزشی

ردیف	مزایای طنز	فراوانی	مخاطرات طنز	فراوانی
۱	جلب توجه	۴	استفاده از طنزهای جنسیتی	۲
۲	کاهش از فشار مطالب آموزشی	۲	استفاده از طنزهای تحقیری با هدف قرار دادن دانش‌آموز	۶
۳	تسهیل و بهبود ارتباط	۷	استفاده از طنزهای جسمانی	۲
۴	کاهش اضطراب و استرس، افسردگی، حساسیت و ناراحتی	۷	برداشت نامناسب از طنز به دلیل تفاوت‌های فردی و فرهنگی	۵
۵	استراتژی افزایش و تسهیل یادگیری	۱۱	برداشت نامناسب از طنز به سبب داشتن پیش‌ذهنیت منفی	۲
۶	بهبود حافظه، وضعیت جسمانی و روانی	۷		
۷	آموزش توأم با شادی، افزایش شادی و اعتمادبه‌نفس	۶		
۸	خوش‌بینی نسبت به معلم و فضای یادگیری	۳		
۹	توسعه تفکر انتقادی، خلاقیت، حل مسأله	۴		
۱۰	بهبود مهارت‌های زبانی و نوشتاری	۲		
۱۱	تلطیف فضای یادگیری	۳		
۱۲	تسهیل و جذاب‌سازی فرایند آموزش	۳		
جمع	مزایا	۵۹	معایب	۱۷



شکل ۱. نقشه مفهومی پیشنهادی برای استفاده از ظرفیت طنز آموزشی در برنامه‌های درسی

نقشه مفهومی فوق، نشان‌دهنده نظریه طنز آموزشی و انزراست که از تلفیق سه نظریه طنز برتری جویانه، ناهمخوان و تلفیقی تشکیل شده است. نگارنده بر این باور است که نظریه ناهمخوانی به دلیل ماهیت ذاتی غافلگیرکننده طنز و ارتقای سطح شناختی مخاطب، نقشی پررنگ‌تر نسبت به دونظریه تسکینی و برتری جویانه در طنز آموزشی دارد و نیز جای نظریه زبان‌شناختی را به‌عنوان یکی از مبانی اصلی تشکیل‌دهنده طنز در این تلفیق خالی می‌یابد. از سویی هم، استفاده از طنز آموزشی، مزایا و مخاطراتی دارد که نیاز به آموزش دارد و باید با آگاهی آن را به کار بست و انواع طنز آموزشی مناسب را از نامناسب در فضای آموزشی بازشناخت.

طنز آموزشی، می‌تواند در سطوح بالای سیاست‌گذاری نظام آموزشی مورد توجه قرار گیرد و در طراحی برنامه‌های درسی و نیز محتوای آنها در مدارس گنجانده شود یا به‌صورت معکوس، از سطوح پایین و اجرایی (بر اساس نظام آموزشی متمرکز کشور) از طریق معلمان در کلاسهای درس اجرا شود و برای تسری به محتوای برنامه‌های درسی و گنجاندن در طراحی آموزشی به‌صورت رسمی، به سطوح سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری، پیشنهاد شود.

## ■ بحث و نتیجه گیری ■

نقش طنز در آموزش، پیچیده‌تر از آن چیزی است که ممکن است ابتدا به نظر برسد. بررسی پژوهش‌های مرتبط با طنز در این مقاله نشان می‌دهد که طنز، به‌عنوان پدیده‌ای میان - رشته‌ای، بهترین شکل ارتباط فردی است که می‌تواند به هدف آموزش در مدارس مورد استفاده قرار گیرد. طنز، ظرفیتی بالقوه و یکی از منابع قوی آموزشی است که می‌تواند برای جلب توجه دانش‌آموز به نکات مهم، کاهش خستگیها و فشارهای ناشی از مطالب دشوار آموزشی، ماندگاری دروس و لذت‌بخش ساختن محیط یادگیری به کار رود و مزایای دیگری چون کاهش اضطراب و استرس ناشی از درس و آزمون را در پی داشته باشد. همچنین، به‌کارگیری نابجا و بیش از اندازه از آن یا استفاده از انواع منفی طنز آموزشی می‌تواند دانش‌آموزان را دچار بدفهمی، سوء تفاهم و نگرش منفی نسبت به معلم و دلسردی از آموزش سازد. لذا، موفقیت در تدریس با طنز، به استفاده صحیح معلم از آن، در شرایط و زمان مناسب و با انگیزه درست بستگی دارد. به‌عبارتی، طنز حکم یک شمشیر دو لبه را دارد که استفاده از آن باید با رعایت ملاحظات توأم باشد. با توجه به مخاطرات احتمالی، استفاده از طنز در محیط‌های آموزشی نیاز به آموزش کادر آموزشی، معلمان و دانش‌آموزان دارد. از این رو، هدف اصلی این مطالعه، توصیه به استفاده از طنز آموزشی پس از آگاهی از نحوه صحیح و اصولی به‌کارگیری آن، به‌عنوان جزء مهم و مغفول برنامه‌های درسی مدارس، در قالب الگویی مناسب بوده است.

مزایای طنز آموزشی می‌تواند گره‌گشای بخشی از مشکلات انگیزشی معلمان و دانش‌آموزان و نیز بهبود بخش وضعیت روانی آنان در مواجهه با فشارها، نگرانیها، حجم زیاد و محتوای سنگین کتابهای آموزشی باشد. بسیاری از معلمان به‌صورت خودانگیخته انواع طنز را در اثنای آموزش مطالب درسی به دانش‌آموزان به کار می‌گیرند. بحث بر سر این است که این ظرفیت عالی مغز که در برنامه‌درسی معلم گاهی بدون هیچ آگاهی از مزایای مترتب بر آن، مورد استفاده قرار می‌گیرد و لحظات شادی را نصیب دانش‌آموزان و معلم می‌سازد، از حاشیه به متن برده شود و در دستور کار برنامه‌درسی آشکار و صریح نظام آموزشی قرار گیرد تا همه عوامل آموزشی مدرسه با آگاهی و شناخت از آن بهره بگیرند و فضایی مطلوب‌تر برای آموزش دانش‌آموزان بیافرینند. در اینجا است که می‌توانیم علاوه بر توصیه بر به‌کارگیری طنز آموزشی در سطوح سیاست‌گذاری و تسری بخشیدن آن به اجزا و بدنه نظام آموزشی، با نگاهی متمایل به کاهش تمرکز، به استفاده از طنز با شروع آن از بدنه نظام و مناطق جغرافیایی و آموزشی خاص، با توجه به شرایط مذهبی، فرهنگی، قومیتی هر منطقه، محله و مدرسه تأکید داشته باشیم.

اگر بخواهیم از جنبه سلبی به موضوع بپردازیم می‌توان جهانی عاری از طنز را در نظر گرفت که در آن همه به‌صورت بسیار جدی و بی‌هیچ انعطافی مشغول کار و فعالیت‌اند که تحمل آن در درازمدت، دشوار می‌نماید. در محیط‌های آموزشی نیز، یکی از عواملی که موجب شاد کردن و جذاب‌سازی فضا و فرایند آموزشی می‌شود، طنز است. گاهی مقاومت‌هایی را در برخی از معلمان به‌ویژه در برخی دروس خاص در



قبال استفاده از طنز شاهدیم که ناشی از نوع نگاه آنان به موضوع است. اگر ما طنز را به‌عنوان جدی‌ترین شوخی که می‌تواند به‌عنوان وسیله‌ای مناسب در خدمت اهداف و مقاصد آموزشی باشد، در نظر بگیریم، خودبه‌خود شائبه امکان‌ناپذیری و مذموم شمردن آن در محیط کاهش خواهد یافت. نتایج این پژوهش، بر مزایای طنز، بیش از سه برابر نسبت به معایب آن صحنه می‌گذارد، بنابراین با رعایت شرایط فرهنگی کشور، قومیتها و زبانهای مختلف، تراکم دانش‌آموزان کلاسها و استفاده به اندازه از طنز با توجه به ضرورت کنترل کلاس در درازمدت و تأکید بر حفظ شأن و جایگاه معلمی، استفاده از طنز مناسب آموزشی، مورد پیشنهاد است. با توجه به تحلیل‌های صورت‌گرفته از پژوهش‌های پیشین پیشنهادهای زیر برای ورود طنز به حوزه‌های گوناگون برنامه‌درسی ارائه می‌شود:

- معرفی طنز آموزشی و ظرفیتهای آن به دانشجو - معلمان آینده و معلمان کنونی و همچنین سیاستگذاران، برنامه‌ریزان و سایر دست‌اندرکاران نظام آموزشی.
- تولید محتوای برنامه‌درسی آمیخته به طنز آموزشی متناسب با سطوح ادراک و شرایط سنی، فرهنگی، گرایشی و نگرشی مخاطبان نظام آموزشی.
- آموزش معلمان برای آشنایی با طنز و اهمیت آن در آموزش، انواع و اشکال طنزها، مزایا و معایب و نحوه کاربرد طنز آموزشی در کلاسهای درس.
- توصیه به معلمان برای پرورش حس شوخ‌طبعی دانش‌آموزان.

- حیدری، حسین؛ خاشعی، وحید و معروفانی اصل، مرتضی. (۱۳۹۵). تحلیل تأثیر به طرق بر فرهنگ سازمانی و انسجام گروهی. مدیریت فرهنگ سازمانی، ۱۴ (۱)، ۷۳-۹۶.
- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۷۲). لغت نامه. مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه تهران.
- ضیایی مهر، علی. (۱۳۹۳). کاربرد طنزآموزشی در فرآیند یاددهی یادگیری: تسهیلات ویژه برای یادگیرندگان زبان دوم. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۳۰ (۴)، ۳۱-۶۰.
- موریل، جان. (۱۹۶۰). فلسفه طنز: بررسی طنز از منظر دانش، هنر و اخلاق، ترجمه محمود فرجامی و دانیال جعفری (۱۳۹۲). تهران: نشر نی.

- Attardo, S. (2003). Introduction: The pragmatics of humor. *Journal of Pragmatics*, 35(9), 1287-1294.
- Attardo, S., & Raskin, V. (1991). Script theory revis(it)ed: Joke similarity and joke representation model. *Humor: International Journal of Humor Research*, 4(3-4), 293-347.
- Aylor, B., & Oppliger, P. (2003). Out-of-class communication and student perceptions of instructor humor orientation and socio-communicative style. *Communication Education*, 52(2), 122-134.
- Baysac, P. E. G. (2017). Laughter in class: Humorous memes in 21st century learning. *Journal of Social Sciences*, 6(2), 267-281.
- Berk, R. A. (1998). *Professors are from Mars, students are from snickers: How to write and deliver humor in the classroom and in professional presentations*. Madison, WI: Mendota.
- \_\_\_\_\_. (2001). The active ingredients in humor: Psychophysiological benefits and risks for older adults. *Educational Gerontology*, 27(3-4), 323-339.
- Berk, R., Martin, R., Baird, D., & Nozik, B. (2008). *What everyone should know about humor and laughter?* Aliso Viejo, CA: Association for Applied and Therapeutic Humor.
- Bernstein, D. K. (1986). The development of humor: Implications for assessment and intervention. *Topics in Language Disorders*, 6(4), 65-72.
- Bryant, J., Comisky, P. W., Crane, J. S., & Zillmann, D. (1980). Relationship between college teachers' use of humor in the classroom and students' evaluations of their teachers. *Journal of Educational Psychology*, 72(4), 511-519.
- Bullough, R. V., Jr. (2012). Cultures of (un)happiness: Teaching, schooling, and light and dark humor. *Teachers and Teaching: Theory and Practice*, 18(3), 281-295.
- Cameron, E. L., Fox, J. D., Anderson, M. S., & Cameron, C. A. (2010). Resilient youths use humor to enhance socioemotional functioning during a day in the life. *Journal of Adolescent Research*, 25(5), 716-742.
- Chabeli, M. (2008). Humor: A pedagogical tool to promote learning. *Curationis*, 31(3), 51-59.
- Chalmers, I., Hedges, L. V., & Cooper, H. (2002). A brief history of research synthesis. *Evaluation & the Health Professionals*, 25(1), 12- 37.
- Cook, G. (2000). *Language play, language learning*. Oxford, UK: Oxford University Press.
- Davies, A. P., & Apter, M. J. (1980). Humor and its effect on learning in children. In P. E. McGhee, & A. J. Chapman (Eds.), *Children's humor* (pp. 237-254). New York: Wiley.
- Dueñas, A.N., Kirkness, K., & Finn, G.M. (2020). Uncovering hidden curricula: Use of dark humor

- in anatomy labs and its implications for basic sciences education. *Medical Science Educator*, 30(4), 345-354.
- Fry, W. F. (2002). Humor and the brain: A selective review. *Humor: International Journal of Humor Research*, 15(3), 305-333.
- Frymier, A. B., Wanzer, M. B., & Wojtaszczyk, A. M. (2008). Assessing students' perceptions of inappropriate and appropriate teacher humor. *Communication Education*, 57(2), 266-288.
- Garner, R. L. (2006). Humor in pedagogy: How ha-ha can lead to aha!. *College Teaching*, 54(1), 177-180.
- Girdlefanny, S. (2004). Using humor in the classroom. *Techniques: Connecting Education and Careers*, 79(3), 22-25.
- Gorham, J., & Christophel, D. M. (1990). The relationship of teachers' use of humor in the classroom to immediacy and student learning. *Communication Education*, 39(1), 46-62.
- Hativa, N. (2000). *Teaching for effective learning in higher education*. Dordrecht; Boston: Kluwer Academic Publishers.
- Holmes, J. (2000). Politeness, power and provocation: How humour functions in the workplace. *Discourse Studies*, 2(2), 159-185.
- Iapoco, M. (1988). Not just for laughs. *Communication world*, 5(5), ABI/INFORM Global, 29-31.
- Kelly, W. E. (2002). An investigation of worry and sense of humor. *The Journal of Psychology*, 136(6), 657-666.
- Kerr, M. (2002). Adding humor to high-tech presentations has some serious advantages. *Presentations*, 16(11), ABI/INFORM Global, 82.
- Lebowitz, K. R., Suh, S., Diaz, P. T., & Emery, C. F. (2011). Effects of humor and laughter on psychological functioning, quality of life, health status, and pulmonary functioning among patients with chronic obstructive pulmonary disease: A preliminary investigation. *Heart Lung*, 40(4), 310-319.
- Lili, Z. (2012). Understanding humor based on the incongruity theory and the cooperative principle. *Studies in Literature and Language*, 4(2), 94-98.
- Lomax, R. G., & Moosavi, S. A. (2002). Using humor to teach statistics: Must they be orthogonal? *Understanding Statistics*, 1(2), 113-130.
- Machlev, M., & Karlin, N. J. (2016). Understanding the relationship between different types of instructional humor and student learning. *Sage Open*, 6(3). <https://doi.org/10.1177/2158244016670200>
- Martin, R. A. (2010). *The psychology of humor: An integrative approach*. Elsevier.
- Maslow, A. (1954). *Motivation and personality*. New York, NY: Harper.
- McGhee, P. E. (2002). *Understanding and promoting the development of children's humor: A guide for parents and teachers*. Dubuque, IA: Kendall/Hunt.
- McNeely, R. (n.d). *Using humor in the classroom: Laughter has the power to fuel engagement and help students learn*. Washington, DC: National Education Association. Retrieved from <http://www.nea.org/tools/52165.htm>
- Minchew, S. S. (2001). Teaching English with humor and fun. *American Secondary Education*, 30(1), 58-68.
- Minchew, S. & Hopper, P. F. (2008). Techniques for using humor and fun in the language arts classroom. *The Clearing House*, 81(5), 232-236.
- Murakami, N. (2006). Not just a humor «ous» text: Humor «as» text in the writing class. *Teaching English in the Two-Year College*, 34(1), 32-40.
- Neuliep, J. W. (1991). An examination of the content of high school teachers' humor in the classroom

- and the development of an inductively derived taxonomy of classroom humor. *Communication Education*, 40(4), 343-355.
- Norrick, N. (2007). Interdiscourse humor: Contrast, merging, accommodation. *Humor: International Journal of Humor Research*, 20(4), 389-413.
- Pexman, P. M., Glenwright, M., Krol, A., & James, T. (2005). An acquired taste: Children's perceptions of humor and teasing in verbal irony. *Discourse Processes*, 40(3), 259-288.
- Rim, Y. (1988). Sense of humour and coping style. *Personality and Individual Differences*, 9(3), 559-564.
- Ring, R. (2008). *Humor in teaching*. This paper was completed and submitted in partial fulfillment of the Master Teacher Program, a 2-year faculty professional development program conducted by the Center for Teaching Excellence, United States Military Academy, West Point, NY, 2008.
- Savage, B., & Lujan, H. L., Thipparthi, R. R., & Dicarolo, S. E. (2017). Humor, laughter, learning, and health! A brief review. *Advances in Physiology Education*, 41(3), 341-347.
- Schmidt, H. E., & Williams, D. I. (1971). The evolution of theories of humour. *Journal of Behavioural Science*, 1(3), 95-106.
- Schopenhauer, A. (1819). *The world as will and idea* (R. B. Haldane & J. Kemp, Trans.). London: Trubner & Co., Ludgate Hill.
- Southman, D. M., & Schwartz, K. B. (2004). Laugh and learn: Humor as a teaching strategy in occupational therapy education. *Occupational Therapy in Health Care*, 18(1-2), 57-70.
- Spencer, H. (1860). The physiology of laughter. *Macmillan's Magazine*, 1, 395-402.
- Torok, S. E., McMorris, R. F., & Lin, W. C. (2004). Is humor an appreciated teaching tool? Perceptions of professors' teaching styles and use of humor. *College Teaching*, 52(1), 14-20.
- Tuncay, H. (2007). Welcome to HELL: Humour in English language learning. *Education Resources Information Centre Online submission* (ED499225), pp. 1-11.
- Vaid, J., Choi, H., Chen, H. C., & Friedman, M. (2008). Perceiving and responding to embarrassing predicaments across languages. Cultural influences on the emotion lexicon. *Mental Lexicon*, 3(1), 122-148.
- Walker, R. (2008). Twelve characteristics of an effective teacher: A longitudinal, qualitative, quasi-research study of in-service and pre-service teachers' opinions. *Educational Horizons*, 87(1), 61-68.
- Wanzer, M. B., & Frymier, A. B. (1999). The relationship between student perceptions of instructor humor and student's reports of learning. *Communication Education*, 48(1), 48-62.
- Wanzer, M. B., Frymier, A. B., Wojtaszczyk, A. M., & Smith, T. (2006). Appropriate and inappropriate uses of humor by teachers. *Communication Education*, 55(2), 178-196.
- West, M. S., & Martin, M. (2019). Students' perceptions of instructor appropriateness and humor homophily. *Communication Education*, 68(3), 328-349.
- Williams, M., & Emich, K. J. (2014). The experience of failed humor: Implications for interpersonal affect regulation. *Journal of Business and Psychology*, 29(4), 651-668.
- Wizner, F. (2014). *Instructional scientific humor in the secondary classroom*. (Doctoral Dissertation). State University of New York at Albany.
- Ziyaeemehr, A., Kumar, V., & Faiz Abdullah, M. S. (2011). Use and non-use of humor in academic ESL classroom. *English Language Teaching*, 4(3), 111-119.

